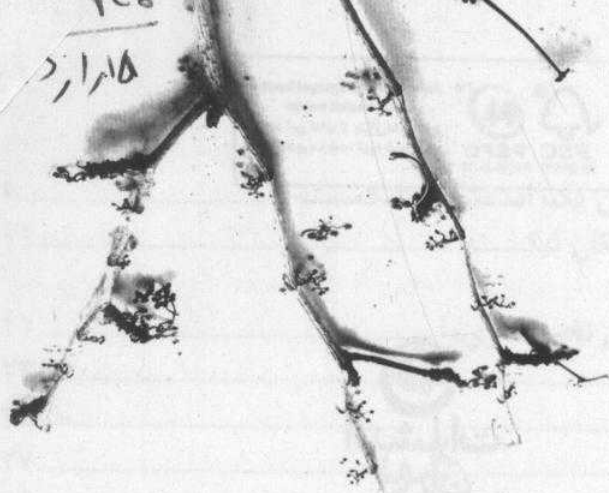




آخرین عاشقانه های ری را

سید علی صالحی





FSC
C019863



PEFC
C05-13-134

Paper from well managed forests
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.



انتشارات تهران

آخرین عاشقانه های ری را

سید علی صالحی

همراه با بازنگری و تازه ها

چاپ نخست ۱۳۷۵، سه هزار نسخه

چاپ دوم ۱۳۹۶، هزار نسخه

کاغذ: بالک سوئد

طراح و صفحه آرایی: ناصر نصیری

ناظر چاپ: علی رضا دوستی

بیتوگرافی و چاپ: دیبا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۹-۸۵-۷

تهران، خیابان پاسداران، چهارراه پاسداران - زره ۵۱۴ - صندوق پستی: ۴۸۷-۱۹۵۸۵

تلفن های انتشارات: ۲۲۵۴۵۲۱۹، ۲۲۷۶۰۶۹۸، ۲۲۷۰۰۶۰۶، ۲۲۷۰۰۶۰۶ تلفکس: ۲۲۵۶۹۸۰۱

تلفن های مرکز پخش: ۶۶۹۷۴۱۷۷، ۶۶۹۷۴۱۷۸

کلیه حقوق چاپ و نشر اثر برای انتشارات تهران محفوظ است

سرشناسه: صالحی، سیدعلی، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: آخرین عاشقانه های ری / سیدعلی صالحی

وضعیت ویراست: ویراست ۲

مشخصات نشر: تهران: انتشارات تهران، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۰۹-۵۵-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: چاپ دوم

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry — 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷۷۷ الف / ۸۱۳۱ PIR

رده بندی دیویی: ۱/۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۳۴۸۲۴

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

دفتر اول: داستان یک استکان شکسته ۹

داستان یک استکان شکسته ۱۱

دفتر دوم: نامه‌های نخست ری را ۲۱

نامه اوّل ۲۳

نامه دوّم ۲۵

نامه ستم ۲۷

نامه چهارم ۲۸

نامه پنجم ۳۰

نامه ششم ۳۱

نامه هفتم ۳۳

نامه هشتم ۳۵

نامه نهم ۳۷

دفتر سوم: چند نشانی از دومین دیدار ۳۹

نشانی‌ها ۴۱

دفتر چهارم: دُرُست... همان جا که دیگر راهی نیست... ترهایی آغاز می‌شود... ۹۱

او ۹۳

بی ۹۵

پیش‌بینی ۹۶

بادهای بی‌نی‌لیک! ۹۷

گوشه در لغت به معنی کنایه آمده است ۹۸

از گریه‌های غلو ۱۰۰

پس کی این روز، روز به این بلندی تمام خواهد شد؟ ۱۰۲

زنی بود بالِ رودِ برهنه گنگ ۱۰۳

- بچه‌های اهل همین هوا می‌گویند تو برمی‌گردی، می‌گویم... تو
 برگشته‌ای! ۱۰۵
- یک ذره دل‌داری... من از سفر کم آوردم ۱۰۷
- حوصله رفتن این همه راه در من نیست، می‌خواهم استراحت کنم ۱۰۹
- همیشه فکر می‌کردم خب همین است دیگر! ۱۱۱
- دختر بادهای نیلوفری ۱۱۲
- این روی نوار ۱۱۴
- باز هم به سلامتی خودت ۱۱۶
- لای همین سکوت ۱۱۷
- باز هم متصل به ماه ۱۱۹
- نزدیک بر بیای می‌خواهم ببوسمت ۱۲۱
- کی، به وقت این غروب! ۱۲۳
- ماحولای نیای من ۱۲۴
- اولاً یک جور می‌آید که بعدها! ۱۲۶
- اگر! ۱۲۸
- زندگی ۱۲۹
- سرقت یک سطر ساده از ناهای خودم ۱۳۱
- اطلاعیه برای اهل تماشا ۱۳۳
- حواست به من هست؟! چرا تا ترانه‌های من ناظرمان می‌آید، می‌رویم
 پنجره‌ها را می‌بندیم؟ ۱۳۵
- الف، تنفس او! ۱۳۷
- وُشا... ها باشد، درد به جانم! ۱۴۱
- تا با منی، نترس، بیا، بعداً خودم می‌گویم چرا! ۱۴۳
- یکی دو پیاله با مولانا ۱۴۵
- بستن و گشودن دکمه‌های پیراهن ۱۴۸
- وقت شب از میم و سین و حرف بعدی ما ۱۵۰
- به زودی همه چیز آشکار خواهد شد ۱۵۲
- من و حی آب‌ها را شنیده‌ام ۱۵۴
- خودت بفهم، بعد با هم به خانه برمی‌گردیم ۱۵۶

- من ترانه در ترانه باز می خوانم، بعد لبهامان روی کتاب...
- ۱۵۸..... ناتمام!
- ۱۶۰..... امر به واژه می کنم، سنگپاره ها تکان می خورند!
- ۱۶۲..... از دریاها گذشتیم و دیگر باره از روح آب زاده شدیم!
- ۱۶۴..... بیشتر اوقات، مشکل از خودمان است
- ۱۶۶..... مراد از معنی می کشان
- ۱۶۸..... ما باید بفهمیم!
- ۱۷۰..... می گویند عاقبت آینه... بخیر!
- ۱۷۱..... چیزی نیست، دو سه خط ساده است
- ۱۷۳..... چه شبهای نابهنگام پُر لکنتی!
- ۱۷۵..... اگر ستاره داری خانه ام را پیدا کن!
- ۱۷۸..... ادامه می خاد، که ن را روی هم خواهیم نوشت
- ۱۸۰..... اسمها، خط خوردگی ما، روزگار حرف عجیب «خ»
- ۱۸۴..... ما شاعران سپیده
- ۱۸۷..... قصه گوی نور، آورنده بوسه های بخری
- ۱۸۹..... دعای زنی در راه، که تنها
- ۱۹۲..... کتابها، کلمات، آدمیان
- ۱۹۴..... بزرگ بی تا، عشق، اسم یک نفر که تویی!
- ۱۹۶..... به یاری ما خواهند آمد، آرام، خاموش، نادیده رفتی گفت!
- ۱۹۹..... کلمه، سکوت من است
- ۲۰۱..... بماند!
- ۲۰۳..... با همین حروف بی منظور، فالی بزن، حتماً مبارک است!
- ۲۰۶..... بر این خاک و از این خانه و از همین مردمان
- از بند خواهد رست، رؤیا خواهد دید، و شعرهای تان را مرور خواهد کرد.
- ۲۰۸.....
- ۲۱۱..... بعد از من، شما زمزمه خواهید کرد
- ۲۱۳..... به من رسید این رؤیا که بگو مردمان منتظرند!
- دفتر پنجم: از میان آن همه رؤیا تنها همین پاره های مه آلود
- ۲۱۷..... را به یاد می آورم

پارهای مه‌آلودی که از اورادِ آینه آمدند ۲۱۹

دفتر ششم: اولین دفتر از سفر به هر کجا که پیش بیاید! ... ۲۳۷

دفتر هفتم: اگر بخواهی تو هم می‌توانی، این تازه اولِ عشق است ۳۰۵

دفتر هشتم: ۱۳۷۷/۱/۳ - وازی وارِ مازندرانِ من: لیمو و آینه ۳۴۱

دفتر نهم: تازه‌ها ۳۵۹

در حایه ۳۷۰

سلام، خدای من! ما خوب است! ۳۷۱

زنبوران مگ ۳۷۳

پنهانی ۳۷۴

همراه مردم ۳۷۵

وحشت بزرگ ۳۷۶

اشاره‌ای بعد از سال‌ها...

کی بود که کجا بود؟! باید به یاد بیاورم، و به یاد می‌آورم: همان سال ۱۳۶۷ خورشیدی، گوشه‌ای از این پایتخت در اندر دشت بود. «گزارش به نازادگان» منظومه‌ی دیگری را سروده و خلاص! حاصل یکی سال عجیب.

اما آن ایام عجیب، مثل این ایام عجیب‌تر... نبود. هر چه می‌سرودم نهان می‌کردم به یاد و برای روزگاری دیگر... بسا در آینده‌ای ناپیدا، همین هم شاید با آمدن آن امید موعود همیشه. سرانجام دوست ناشرم عبدالله دوستی مدیر انتشارات تهران گفت: «سید چه داری برای چاپ؟»

چه می‌دانستم از گیر و گرفت و بن بست‌های روزگار...! کلمات محبوس به چاپ آمدند، خاصه همین تجربیّاتِ «آخرین عاشقانه‌های ری‌را...» و نیز سالی نرفت که خلاص و تمام. اما مشکلات هزار دست، گریبان‌گیر بخت ما شد، کتاب... تمایز جدید چاپ ولی غیر ممکن بود.

آن سال‌ها... گاهی می‌دیدم چند کودک و نوجوان کنار دست پدر، در کتابفروشی، آزادانه می‌آیند و می‌روند: رضا، علی و آرش... تا امروز که رضا سمت توزیع کتاب رفته است، آرش در کتابفروشی،

و علی که زنگ زد و گفت: «فرستی پیش آمده، می‌شود آثار را تجدید چاپ کرد، آیا اجازه می‌دهی...؟!» علی آمد، و کار به اینجا رسید. در این فرقت و فاصله، البته اندوه من هم همین بود که این دفترها... چرا در محاق این ایام عجیب مانده‌اند...؟! و امروز بی‌هیچ دخالتی در درایتِ واژه‌ها، به همان شمایل که بوده شعر، پیشکش شما خوانندگان کلماتِ من می‌شود. چه غیابی... چه غیاب تباهندهٔ پر فرسایشی...! مهم است که به بسته بر رویاهای ما: باز همان امید، همان امید موعود نثار این مردم شریف!

سیدعلی صالحی*
زمستان ۱۳۹۵

* این شعرها که مقابل شماس، مربوط به ذهن و زبان اواسط دههٔ شصت و اوایل دههٔ هفتاد است که یکبار سال‌ها پیش از این منتشر شده به همت همین دوستان انتشارات تهران.